

جشنواره ملی رسا

(جشنواره نهج البلاغه دانشگاهیان کشور)

سبک زندگی دانشجویی

در نهج البلاغه

جزوه حفظ نهج البلاغه



بسم الله الرحمن الرحيم

سبک زندگی دانشجویی در نهج البلاغه

مقدمه

یکی از مهمترین عوامل موفقیت یا عدم موفقیت انسانها و جوامع برخورداری یا عدم برخورداری از سبک زندگی معقول و سالم است.

سبک زندگی در واقع روش انجام رفتارهای فردی و اجتماعی بر مبنای تفکرات بنیادین، نظام ارزشی و آداب و رسوم یک فرد یا جامعه است که اگر همه اینها مبتنی بر عقلانیت و شریعت و اصول درستی باشد ضامن پیشرفت، کمال و کامیابی انسانها خواهد بود و برعکس چنانچه عادات و آداب و رسوم انسانها ریشه در جهالت و تعصب و نفسانیات داشته باشد همین امر مایه سقوط اخلاق و گسترش ظلم و فساد در زندگی می‌شود.

امیرالمومنین علیه السلام در حکمت ۱۲۰ نهج البلاغه در مقایسه جالبی بین بنی امیه و بنی هاشم اینگونه می‌فرمایند:

« بنی عبد شمس (یعنی بنی امیه) دوراندیش تر و در حمایت مال و فرزند متعصب‌ترند که به همین جهت بدانندیش تر و بخیل‌تر می‌باشند اما ما (یعنی بنی هاشم) نسبت به آنچه در دست داریم بخشنده‌تر و برای جانبازی در راه دین سخاوتمندتریم. آنها تعدادشان بیشتر اما فریبکارتر و زشت روی‌ترند و ما فصیح‌تر و خیرخواه‌تر خوشروتریم.



سبک زندگی را باید در دو عرصه زندگی عمومی و زندگی تخصصی جستجو کرد. دانشجویی یک دوره بسیار مهم و سرنوشت ساز زندگی تخصصی است .

تا جایی که امیرالمومنین علیه السلام در حکمت ۲۸۸ نهج البلاغه عدم توفیق کسی برای کسب علم و دانش را نشانه خوار شدن بنده از طرف خدا می داند و می فرماید:

« اذا ارذل الله عبدا حضر عليه العلم (*) یعنی هرگاه خداوند بخواهد بنده‌ای را خوار کند او را از دسترسی به دانش منع می کند.»

بنابراین رسیدن به اهداف عالی و موفقیت های مد نظر جز با فراگیری سبک زندگی تخصصی دانشجویی و عمل به آموزه های مربوطه، ممکن و میسر نخواهد شد.

نهج البلاغه در این زمینه نیز همانند سایر مقوله های مورد نیاز بشر در کنار قرآن کریم یکی از بهترین منابع متقن، جامع، مختصر و در دسترس است.

ما در این نوشتار درصدد آن هستیم که با بهره گیری از آموزه های این کتاب شریف شما دانشجوی بزرگوار را با اصول سبک زندگی دانشجویی آشنا کنیم.

امید است با اشتیاق و به دور از انگیزه های سطح پایین و جانبی، این گوهرهای ناب علوی را بخوانید و تا حد ممکن حفظ کنید و همچون آیین نامه ای دقیق و شفاف از آن برای نظم بخشی به افکار و روحيات و رفتارهای خود در زندگی دانشجویی بهرمنند شوید. انشاءالله

تذکر بسیار ضروری

اگرچه اصل این نوشتار با هدف حفظ تعدادی از عبارات کاربردی نهج البلاغه جهت عزیزی که قصد شرکت در بخش حفظ نهج البلاغه را دارند تدوین شده است اما سعی کردیم مبحث سبک زندگی دانشجویی به صورت کامل ارائه شود تا کاربرد این نوشتار چیزی فراتر از یک جزوه حفظ باشد؛ لذا از خواننده محترم تقاضا می شود تمام مطالب را با دقت مطالعه فرماید ولی برای شرکت در بخش حفظ حکمت‌های نهج البلاغه فقط عباراتی که ستاره‌دار (*) هستند مورد نظر است.

اصول سبک زندگی دانشجویی:

اصل اول: شناخت ارزش دانش و دانشجویی

در نهج البلاغه شریف در حکمت ۱۴۷ نهج البلاغه امیرالمومنین علیه السلام در یک موقعیت رازگونه به یکی از یاران خاص خود به نام کمیل بن زیاد اینگونه می‌فرماید:

النَّاسُ ثَلَاثَةٌ فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَّجٌ رَعَاعٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِيٍّ
يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَ لَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ (*)

« ای کمیل مردم سه دسته هستند:

دسته اول عالمان ربانی

دسته دوم کسانی که مشغول آموزش دانش و معارف راه نجات هستند

و بقیه مردم ذرات سرگردان و معلق در هوا که نه از نور علم روشنی گرفته‌اند و نه به ستون محکمی تکیه داده‌اند. با هر صدایی به سمت منبع آن صدا کشیده می‌شوند و با هر بادی در مسیر جهت آن باد جابجا می‌گردند.»

بنابراین از نظر امیرالمومنین علیه السلام هویت دانشجویی بعد از هویت دانشمند ربانی برترین هویت در جامعه است و این ارزش و جایگاه به واسطه ارزش و اهمیت دانش است.

در جامعه اسلامی بلکه در جامعه بشری نباید هیچ چیزی هم عرض و معادل با دانش، ارزشگذاری شود. بگونه‌ای باید فرهنگ سازی کرد که معرفت و دانش در قله ارزش‌ها و خوبی‌ها قرار گیرد.

همانگونه که حضرت در همان حکمت ۱۴۷ مزایای دانش بر مال و برتری دانشمند بر مال اندوز را به زیبایی ترسیم فرموده اند:

« يَا كَمِيلُ الْعِلْمِ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ وَ الْمَالُ تَنْقُصُهُ
النَّفَقَةُ وَ الْعِلْمُ يَزْكُوا عَلَى الْإِنْفَاقِ وَ صَنِيعُ الْمَالِ يَزُولُ بِزَوَالِهِ (*)»

یعنی ای کمیل: دانش بهتر از مال است؛ زیرا علم، نگهبان تو است، ولی مال را تو باید نگهبان باشی؛ مال با بخشش کاستی پذیرد اما علم با بخشش فزونی گیرد، و مقام و شخصیتی که با مال به دست آمده با نابودی مال، نابود می‌گردد.

يَا كَمِيلُ هَلَكَ خَزَانُ الْأَمْوَالِ وَ هُمْ أَحْيَاءُ وَ الْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ أَعْيَانُهُمْ
مَفْقُودَةٌ وَ أَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ (*)»

ای کمیل! ثروت اندوزان بی تقوا مرده اند گرچه به ظاهر زنده‌اند، اما دانشمندان، تا دنیا برقرار است زنده‌اند، بدن‌هایشان اگرچه در زمین پنهان اما یاد آنان در دل‌ها همیشه زنده است.»

اصل دوم مقاومت در مقابل مشکلات

هر کار بزرگ و هر هدف ارزشمندی نیازمند تلاش و استقامت در مقابل سختی‌ها و مشکلات است و گرنه نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد.

امیرالمومنین علیه السلام در این زمینه در حکمت ۱۵۳ نهج البلاغه می‌فرمایند:

« لا یعدم الصبور الظفر و إن طال به الزمان (*) »

یعنی انسان صبور امکان ندارد به موفقیت و پیروزی نرسد؛ هرچند زمان طولانی شود.

آنقدر صبر و مقاومت در مقابل موانع و مشکلات ارزش دارد که حضرت صبر را شعبه‌ای از شجاعت دانسته و در حکمت چهارم می‌فرمایند:

« الصبر شجاعه » و هیچ چیز را در ارکان ایمان مهمتر از صبر نمی‌دانند و در تشبیهی بی‌نظیر در حکمت ۸۲ نسبت صبر به ایمان را مانند نسبت سر به جسد می‌دانند و می‌فرمایند:

« علیکم بالصبر فإن الصبر من الايمان كالرأس من الجسد ولا خیر فی جسد لارأس معه ولا فی ایمان لا صبر معه (*) »

یعنی بر شما باد به صبر و مقاومت زیرا جایگاه صبر نسبت به ایمان مانند جایگاه سر است نسبت به بدن. نه خیری در بدن بی‌سر است و نه خیری در ایمان بی‌صبر. «

اصل سوم: رعایت مهارت‌های زندگی حرفه‌ای

بسیاری از ما آدم‌ها علی‌رغم داشتن استعدادها و توانایی‌های ارزشمند و در اختیار داشتن امکانات و فرصت‌های فراوان هرگز از سطح زندگی خود و میزان موفقیت خویش رضایت نداریم.

مهم‌ترین دلیل این نارضایتی عدم آگاهی از اصول حیات حرفه‌ای و یا عدم رعایت این اصول، در متن زندگی است.

امام علی علیه السلام در حکمت ۵ نهج البلاغه سه اصل کلیدی از این اصول حیات حرفه‌ای را به ترتیب استفاده از دانش پیشینیان، رعایت آداب زندگی و تفکر و اندیشه ورزی معرفی می‌کنند. در حکمت ۵ نهج البلاغه می‌خوانیم:

« العلم وراثة کریمه والاداب حلل مجدده والفکر مرء صافیة (*) »

یعنی دانش، ارثی با ارزش است که از گذشتگان به نسل بعدی می‌رسد و آداب مانند زینت‌هایی دائماً نوشونده و جدیدند و فکر کردن مانند آینه‌ای صاف و شفاف است. «

توضیح مطلب اینکه قبل از هر عملی باید از دانشی که زحمت تجربه و آزمون آن را نسل‌های گذشته کشیده‌اند و مانند ارثی ارزشمند و بدون زحمت به دست ما رسیده است، استفاده کرد.

چقدر دانشمندان که در طول قرن‌ها در آزمایشگاه‌ها سختی‌ها و خطرات آزمایشات علمی را بجان خریدند تا فرضیه‌ای را اثبات و به نظریه تبدیل کنند.

چقدر محققان و پژوهشگران که رنج سفرهای طولانی و مطالعات مفصل و بی خوابی ها و... را بر خود هموار نمودند تا گره مسأله ای از مسایل بشر را بگشایند.

حاصل همه این رنجها و زحمات مانند ارثی که با دسترنج پدر فراهم شده و بدون زحمت پس از مرگ پدر در اختیار فرزند قرار می گیرد، در اختیار ما قرار گرفته است. آیا معقول و منطقی است که بدون توجه و آگاهی از این میراث گرانبها، بخواهیم همه چیز را از اول بررسی و یا ایجاد کنیم.

در حین عمل و اقدام باید آداب هر عملی را مراعات کرد؛ زیرا رعایت آداب مربوط به هر رفتار و موقعیت مانند آن است که فردی روزی چندین بار لباسها و زینت‌های خود را عوض کند و هر بار نو و جدید به نظر آید که این امر مایه سرزندگی و نشاط در انجام کارهای دشوار و دائمی می‌شود و از رخوت و احساس روزمرگی و خستگی روحی و روانی پیشگیری می‌کند.

بعد از هر عمل هم انسان زیرک به آنچه که عمل کرده است از راه و روش و آثار و پیامدهای آن می‌اندیشد و سعی می‌کند برای دفعات بعد روش بهتر و راه‌های میانبر پیدا کند و از خطاهای رفتار قبلی بکاهد. یکی از عواملی که باعث می‌شود دانشجو بعد از مدتی تحصیل، نشاط و انگیزه اولیه خود را از دست بدهد و رغبت به مطالعه و تحقیق و تحصیل در او کم شود، همین ناآگاهی او نسبت به اصول حیات حرفه‌ای و یا عدم عمل به این اصول می‌باشد.

اصل چهارم: نظم، برنامه‌ریزی و مدیریت زمان

ماهیت زمان ماهیتی سیال و در گذر است و تنها کسانی می‌توانند از زمان برای انجام فعالیت‌ها و رسیدن به اهداف و آرزوها استفاده کنند که قدرت تسخیر زمان و برنامه‌ریزی دقیق داشته باشند و الا در پرتو زندگی بی‌نظم و بی‌حساب و کتاب، هیچکس به مدارج عالی و مراتب کمال و اهداف و آرزوهای با ارزش دست نیافته و نخواهد یافت و چنان فرصت‌ها را از دست می‌دهد که گویا هرگز نبوده‌اند و ریشه افسوس و ندامت و افسردگی اکثر انسانها در دنیا و آخرت همین از دست دادن فرصت‌هاست.

در حکمت ۲۱ نهج البلاغه می‌خوانیم:

«الفرصة تمر مر السحاب فانتهزوا فرص الخیر (*)»

یعنی فرصت‌ها مانند ابرها می‌گذرند پس فرصت‌های خیر را دریابید.»

همچنین مولا علی علیه السلام خطاب به فرزندشان امام حسن علیه السلام در نامه ۳۱ می‌نویسند:

«بادر الفرصة قبل ان تكون غصة (*)»

یعنی به سوی فرصت‌ها بشتاب پیش از آنکه تبدیل به غصه شود.»

برای استفاده بهینه از فرصت‌ها و پیشگیری از غصه از دست دادن آن‌ها باید برنامه‌ریزی و مدیریت کرد.

حضرت علی علیه السلام در حکمت ۳۹۰ درباره برنامه‌ریزی و نظم مومن در شبانه روز می‌فرماید :

« للمومن ثلاث ساعات فساعة یناجی فیها ربه و ساعة یرم معاشه و ساعة یخلی بین نفسه و بین لذتها فی ما یحل و یجمل و لیس للعاقل ان یکون شاخصا الا فی ثلاث: مرمة لمعاش او خطوة فی معاد او لذة فی غیر محرم .

یعنی مومن شبانه روز خود را به سه قسمت تقسیم می‌کند: زمانی برای نیایش و مناجات با پروردگار و زمانی برای تامین هزینه‌های زندگی و زمانی برای بهره مند کردن نفس خود از لذت‌های حلال و اسباب زیبایی .

و سزاوار نیست که عاقل جز به دنبال این سه کار، دنبال چیز دیگری باشد: در پی معاش رفتن و قدمی برای جهان آخرت برداشتن و لذت حلال بردن!»

همچنین امیرالمومنین علیه السلام در آخرین وصیت خود که بعد از ضربت خوردن بیان شده است چنان جایگاهی برای نظم در امور قائلند که در ابتدای توصیه‌های خود به امام حسن و امام حسین علیهما السلام بلافاصله بعد از توصیه به تقوا می‌فرمایند:

« أوصیکما بتقوی الله و نظم أمرکم (*)

یعنی شما را به نظم در کارها و امورتان توصیه می‌کنم.»

معلوم می‌شود بعد از رعایت حدود و قوانین که همان تقوای الهی است هیچ چیزی به اندازه نظم و انتظام امور، انسان و جامعه را در مسیر شکوفایی استعدادها و استفاده بهینه از فرصت‌ها یاری نمی‌رساند.

اصل پنجم: تلاش و پرهیز از تنبلی

یک دانشجوی هوشمند و موفق کسی است که در راه پیشرفت و کمال خود و جامعه‌اش از هرگونه سستی، کاهلی و تنبلی پرهیز می‌کند؛ زیرا او برای آینده خود و کشورش آرزوهای مهمی دارد که باید در جهت تحقق آنها تلاش کند و در این راه ضعف و سستی و اهمال کاری سم مهلک است.

حضرت علی علیه السلام در آخرین خطبه نهج البلاغه یعنی خطبه ۲۴۱ به سربازان خود که عزم راسخ برای پیروزی بر دشمنان دارند اینگونه می‌فرماید:

« فَشُدُّوا عَقْدَ الْمَآزِرِ وَ اطُّوُوا فُضُولَ الْخَوَاصِرِ لَا تَجْتَمِعُ عَزِيمَةٌ وَ وَلِيمَةٌ مَا أَنْقَضَ النَّوْمَ لِعَزَائِمِ الْيَوْمِ وَ أَمْحَى الظُّلْمَ لِتَذَاكِيرِ الْهَمَمِ (*)

یعنی پس کمربندها را محکم ببندید، و دامن همت بر کمر زنید. که به دست آوردن ارزش‌های والا با خوشگذرانی میسر نیست! چه بسا خواب‌های شب که تصمیم‌های روز را از بین برده، و تاریکی‌های فراموشی که همتهای بلند را نابود کرده است.»

دانشجوی عزیز مصمم برای فتح قله‌های بلند می‌داند که هرگز نباید به اعداد و رقم عمرهای به ظاهر طولانی اعتماد کرد. تمام کسانی که عمرهای به ظاهر طولانی دارند اذعان می‌کنند که عمرشان به سرعت ابر و باد گذشت و از این موضوع محزون و نگرانند.

حضرت مولا علیه السلام برای پیشگیری از چنین خطای راهبردی دائماً ما را متوجه پایان عمر و سرعت گذر عمر می کنند مثلاً در خطبه ۱۸۸ نهج البلاغه اینگونه می فرمایند:

« مَا أَسْرَعَ السَّاعَاتِ فِي الْيَوْمِ وَأَسْرَعَ الْأَيَّامِ فِي الشَّهْرِ وَأَسْرَعَ الشُّهُورَ فِي السَّنَةِ
وَأَسْرَعَ السِّنِينَ فِي الْعُمُرِ. (*)

یعنی وه! چگونه ساعتها در روز، و روزها در ماه، و ماهها در سال، و سالها در عمر آدمی
شتابان می گذرد.»

بنشین بر لب جوی و جذر عمر ببین

کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس

اصل ششم: مدیریت ارتباطات

ارتباطات دوستانه با دیگران نه تنها یک فضیلت بلکه یک ضرورت بدون جایگزین در زندگی همه انسانهاست. این ضرورت برای جوان و دوران جوانی ضرورتی دوچندان پیدا می کند؛ زیرا آرمانها و اهداف جوان بسیار مهم و دسترسی به آنها نیازمند همراهی و همکاری یاران خوب و پشتیبانان امین است.

دانشجو باید در همه موقعیت ها اعم از کلاس و اردو و مراسمات و... به دنبال یافتن دوستان خوشفکر، خوش قلب و خوش اخلاق باشد و سعی کند تا از رابطه دوستی خود با آنها حداکثر مراقبت را داشته باشد.

بنابراین یکی از مهارتهای زندگی دانشجویی مهارت دوست یابی و دوست داری است. این مهارت در سبک زندگی دانشجویی به قدری اهمیت دارد که امیرالمومنین علیه السلام در حکمت دوازدهم نهج البلاغه فردی را که مهارت دوستیابی ندارد ناتوانترین انسان معرفی می کند. در این حکمت می خوانیم:

«أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ وَأَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ»
(*)

یعنی ناتوانترین مردم کسی است که در دوست یابی ناتوان است، و از او ناتوان تر کسی است که دوست خود را از دست بدهد.

برای محافظت از رابطه دوستی با دوستان صالح و خوب امیرالمومنین علیه السلام هیچ حد و مرزی قائل نیستند به ما توصیه می‌فرمایند که برای حفظ دوست خوب خود را به آب و آتش بزن در نامه ۳۱ نهج البلاغه بند ۱۵ طاب به فرزند عزیزشان امام حسن مجتبی علیه السلام می‌نویسند:

« اِحْمِلْ نَفْسَكَ مِنْ اَخِيكَ عِنْدَ صَرْمِهِ عَلَي الصَّلَةِ وَ عِنْدَ صُدُوْدِهِ عَلَي اللِّطْفِ وَ الْمَقَارَبَةِ وَ عِنْدَ جُمُوْدِهِ عَلَي الْبَدْلِ وَ عِنْدَ تَبَاعُدِهِ عَلَي الدُّنُوِّ وَ عِنْدَ شِدَّتِهِ عَلَي اللِّينِ وَ عِنْدَ جُرْمِهِ عَلَي الْعُذْرِ حَتَّى كَأَنَّكَ لَهُ عَبْدٌ وَ كَأَنَّهُ ذُو نِعْمَةٍ عَلَيْكَ

یعنی اگر برادرت از تو جدا گردید، تو پیوند دوستی را بر قرار کن، اگر روی برگرداند تو مهربانی کن، و چون بخل ورزید تو بخشنده باش، هنگامی که دوری گزید، تو نزدیک شو و اگر بر تو سخت گرفت، تو آسان گیر و به هنگام گناهش عذر او بپذیر، چنان که گویا بنده او می‌باشی و او ولی نعمت تو!»

البته پر واضح است که این گونه خضوع و تواضع فقط مخصوص دوستان مومن و صالح و شایسته است و گرنه فرادی که دارای خصلت‌های ناشایست به خصوصی هستند قابل اعتماد نبوده و در مسیر زندگی و اهداف یک دانشجوی ارزشمند سد راه و سم مهلك هستند بر همین اساس حضرت علی علیه السلام در ادامه فرمایش فوق می‌نویسند:

«إِيَّاكَ أَنْ تَضَعَ ذَلِكَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ أَوْ أَنْ تَفْعَلَهُ بِغَيْرِ أَهْلِهِ

یعنی مبادا دستورات یاد شده را با غیر دوستانت انجام دهی، یا با انسان‌هایی که سزاوار آن نیستند بجا آوری.»

ممکن است سوال کنی که چگونه افرادی لیاقت و شایستگی دوستی را ندارند ر جواب می گویم خود امیرالمومنین علیه السلام در حکمت ۳۸ نهج البلاغه طاب به امام حسن مجتبی علیه السلام پاسخ این سوال را اینگونه می دهد:

« يَا بَنِي إِيَّكَ وَ مُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ وَ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْبَخِيلِ فَإِنَّهُ يَقْعُدُ عَنْكَ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ وَ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْفَاجِرِ فَإِنَّهُ يَبِيعُكَ بِالتَّافِهِ وَ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقْرَبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يَبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ. (*)

یعنی پسرکم! از دوستی با احمق بپرهیز، چرا که می خواهد به تو نفعی رساند اما دچار زیانت می کند و از دوستی با بخیل بپرهیز، زیرا آنچه را که سخت به آن نیاز داری از تو دریغ می دارد و از دوستی با بدکار بپرهیز، که با اندک بهایی تو را می فروشد و از دوستی با دروغگو بپرهیز، که او به سراب ماند: دور را به تو نزدیک، و نزدیک را دور می نمایاند.»
و در مقابل دوست خوب به خاطر فواید و برکات زیادی که در زندگی انسان دارد حقوق خاصی هم بر عهده ما دارد برخی از این حقوق را امام علی علیه السلام در حکمت ۱۳۴ اینگونه مطرح فرموده اند:

« لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي ثَلَاثٍ فِي نَكْبَتِهِ وَ غَيْبَتِهِ وَ وَقَاتِهِ) (*)

یعنی دوست، دوست نیست مگر آن که حقوق برادرش را در سه جایگاه نگهبان باشد: در روزگار گرفتاری، آن هنگام که حضور ندارد، و پس از مرگ.»

آری در زندگی دانشجویی دوستانی که منظم صادق جدی دلسوز و خیرخواه ما باشند وجودشان ز نان شب ضروری تر است کسانی که ز غصه‌ها غمخوار ما باشند و در تلاش و تحصیل مشوق ما و حتی به هنگام خطا و اشتباه منتقد ما باشند این‌ها کسانی هستند که در حقیقت وجودشان و هم صحبتی شان به سود ماست نه کسانی که ما را فقط برای خوش گذرانی بطالت می‌خواهند.

امیرالمومنین علیه السلام با همین منطق به ما متذکر می‌شوند که دوست کسی است که تو را از خطا و گناه ر حذر می‌دارد نه کسی که به واسطه او وادار به گناه و خطا شوی.
در حکمت ۵۹ می‌خوانیم:

« مَنْ حَذَّرَكَ كَمَنْ بَشَّرَكَ. (*) یعنی آن که تو را هشدار دهد، چون کسی است که مژده دهد.»

و در حکمت ۱۶۵ نیز اینگونه ما را راهنمایی می‌فرمایند:

« لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ (*)

یعنی هیچ اطاعتی از مخلوق، در نافرمانی پروردگار روا نیست.»

اصل هفتم: دلسوزی برای جامعه

امیرالمومنین علیه السلام درباره ضرورت امر به معروف و نهی از منکر و پیامدهای ناگوار ترک آن عبارات تکان دهنده‌ای دارند ه به بخشی از آنها اشاره می‌کنیم.

در اواخر وصیت‌نامه خودشان که در نامه ۴۷ نهج البلاغه مندرج است می‌فرمایند:

« لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلِّيَ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ » (*)

یعنی امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدهای شما بر شما مسلط می‌گردند، آنگاه هر چه خدا را بخوانید، اجابت نخواهد کرد.»

وقتی دانشجویان مومن و با شخصیت نسبت به لغات و منکرات محیط خود بی تفاوت می‌شوند آرام آرام محیط زندگی انسانی آنها تحت سیطره د ارزش‌ها و کسانی که این ضد ارزش‌ها را واج می‌دهند آلوده خواهد شد دقیقاً مثل امعهای که عده‌ای سودجو یا بی‌فرهنگ ای جامعه را آلوده به انواع آلاینده‌های خطرناک می‌کنند و دیگران هیچ اقدامی برای جلوگیری از این خیانت جنایت نمی‌کنند و از این حقیقت غافلند که اگر هوا آلوده شد نفس برای همه سخت می‌شود و بیماری‌های متعدد و خطرناک همه را فرا می‌گیرد حتی کسانی که دست به آلوده کردن هوا نیالودند.

در مقابل بی تفاوتیها و ترسوها انسان‌های فهمیده و با شخصیت کم برای سعادت و سلامت خود ارزش قائلند هم نسبت به سلامت و سعادت جامعه احساس مسئولیت می‌کنند از طریق صحیح و با رعایت همه ضوابط شرعی و قانونی نسبت به احیا و گسترش خوبی‌ها و معروف و مقابله و محو زشتی‌ها و منکرات اقدام می‌کنند به این طیف از نظر امیرالمومنین علیه السلام شریف‌ترین مردم هر زمانه هستند لذا در حکمت ۳۷۴ می‌خوانیم:

« فَمِنْهُمْ الْمُنْكَرُ لِلْمُنْكَرِ بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ فَذَلِكَ الْمُسْتَكْمِلُ لِخِصَالِ الْخَيْرِ وَ مِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ التَّارِكُ بِيَدِهِ فَذَلِكَ مَتَمَسِّكٌ بِخَصَلَتَيْنِ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ وَ مُضَيِّعٌ خَصْلَةً وَ مِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِقَلْبِهِ وَ التَّارِكُ بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَذَلِكَ الَّذِي ضَيَّعَ أَشْرَفَ الْخَصَلَتَيْنِ مِنَ الثَّلَاثِ وَ تَمَسَّكَ بِوَاحِدَةٍ وَ مِنْهُمْ تَارِكٌ لِإِنْكَارِ الْمُنْكَرِ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ يَدِهِ فَذَلِكَ مَيِّتٌ الْأَحْيَاءِ »

یعنی گروهی، منکر را با دست و زبان و قلب انکار می‌کنند، آنان تمامی خصلت‌های نیکو را در خود گرد آورده‌اند. گروهی دیگر، منکر را با زبان و قلب انکار کرده، اما دست به کاری نمی‌برند، پس چنین کسانی دو خصلت از خصلت‌های نیکو را گرفته و دیگری را تباه کرده‌اند. و بعضی منکر را تنها با قلب انکار کرده، و با دست و زبان خویش اقدامی ندارند، پس دو خصلت را که شریف‌تر است تباه ساخته‌اند و یک خصلت را به دست آورده‌اند. و بعضی دیگر منکر را با زبان و قل و دست رها ساخته‌اند که چنین کسی از آنان، مرده‌ای میان زندگان است!»

آری! کسی که نسبت به خوب و بد زشت و زیبا و معروف و منکر محیط و جامعه خود بی تفاوت است مانند مرده‌ای است که در میان زندگان افتاده است. و دلیل اینکه امر بمعروف و شریف‌ترین و تارک آن، پلیدترین فرد از منظر نهج البلاغه شمرده شده است این است که امر بمعروف و نهی از منکر از نگاه امیرالمومنین علیه السلام از همه خوبیها و حتی جهاد در راه خدا برتر است.

در ادامه حکمت ۳۷۴ می خوانیم:

« وَ مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ (*)

یعنی و همه کارهای نیک و جهاد در راه خدا برابر امر به معروف و نهی از منکر، چون دمیدنی است به دریای پر موج پهناور.»

اصل هشتم: مشارکت در فعالیت های گروهی

یکی از فرصت های بی نظیر در دوران دانشجویی فرصت حضور و مشارکت در برنامه های گروهی است؛ اعم از برنامه هایی که نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری برنامه ریزی و اجرا می کند و عضویت و فعالیت در تشکل های دانشجویی.

در مبحث سبک زندگی دانشجویی نوع و کیفیت و کمیت وقت گذاری رای این گونه برنامه ها و مشارکت در فعالیت های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی اند همه تصمیمات دیگر می تواند مبتلا به افراط و تفریط شود.

بعضی دانشجویان عزیز آنقدر غرق در فعالیت های جانبی و فرهنگی و غیره می شوند ه اساساً فراموش می کنند که ماهیت اصلی دانشگاه و دانشجویی کسب علم و تحصیل دانش است و کم کم از این جنبه اصلی غافل شده حتی بعضاً بر اساس قوانین آموزشی از ادامه تحصیل محروم شده اند.

در مقابل گروهی هم هیچ فعالیتی جز درس و حضور در سر کلاس برای خود رسیم نمی کنند این گونه دانشجویان اگرچه ممکن است از نظر علمی و درسی موفقیت های چشمگیری به دست بیاورند اما در بهترین دوران تجربه فعالیت اجتماعی و حتی تمرین مدیریت خود را محروم کرده و به صورت فردی و فردگرایی ندگی خود را ادامه می دهند اکثر این عزیزان در آینده آنچه در پست ها و مسئولیت ها قرار بگیرند به شدت احساس ناتوانی ناپختگی می کنند و معمولاً در اجرای وظایف خود دچار خطاهای بسیار می شوند.

این دوستان گویا فراموش کرده اند که در جامعه انسانی همانطور که هر کس حقوقی دارد، مسئولیت هایی هم دارد و امکان شانه خالی کردن از این مسئولیت ها وجود ندارد.

کمال آدمی، به کمال مسئولیت پذیری اوست. هر چه کسی در مسئولیت پذیری سستی ورزد، تباهی در کارش بیشتر خواهد بود، و هر چه کسی مسئولیت پذیری بیشتری داشته باشد، به کمال بیشتری از نظر اخلاق فردی و اخلاق اداری دست می یابد.

امام علی (علیه السلام) در خطبه ۱۶۷ نهج البلاغه، حیطة مسئولیت پذیری را بسیار گسترده تعیین نموده و از کارگزاران و کارکنان خود خواسته است که نسبت به کلیه کارها و اقدامات، و نیز روابط و مناسبات خود مسئولیت پذیر باشند.

«اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ». (*)

از خدا بترسید در حق بندگانش و شهرهایش، زیرا شما مسئولید حتی در برابر سرزمینها و چارپایان.

اصل نهم: معنویت و خودسازی

اگرچه خودسازی و توجه به معنویات شرط لازمه حیات انسانی و توحیدی برای همه اقشار و سنین است اما دانشجوی عزیز هم به واسطه قرار گرفتن در قله جوانی و دوران بسیار حساس شکوفایی استعدادها و هم به جهت اقع شدن در آستانه ورود به مسئولیت‌های بزرگ اجتماعی و نیز به دلیل شرایط خاص محیط دانشگاه و خوابگاه که برآمده از تجمیع فراد با فرهنگ‌های متفاوت و بعضاً متضاد می‌باشد باید همت بیشتری برای خودسازی و اهتمام بیشتری به سمت معنویات داشته باشد.

بر این عوامل اضافه کنید دور بودن اکثر دانشجویان از محیط خانواده و شهر خویش می‌تواند عامل مهمی در غفلت و از مراقبت‌های اخلاقی و نیازهای معنوی باشد. با این توضیح باید جوان دانشجو با مطالعه و مشورت با خبرگان تربیتی رنامه‌ای مناسب شرایط و نیازهای خود تدوین و بر اساس آن پایش رشد اخلاقی و معنوی خود را خود به عهده بگیرد.

در این زمینه امیرالمومنین علیه الصلاة و السلام توصیه‌های فراوان و بسیار موثری دارند که نقل همه آنها در این نوشتار مکان‌پذیر نیست اما ه بعضی از این توصیه‌های راهگشا اشاره می‌کنیم و بقیه موارد را در حد معرفی آدرس مطلب در نهج البلاغه در اختیار شما قرار می‌دهیم.

مراقبه اول: نماز

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۹۹ این چنین می فرماید:

« تَعَاهِدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ وَ حَافِظُوا عَلَيْهَا وَ اسْتَكْثِرُوا مِنْهَا وَ تَقَرَّبُوا بِهَا فَإِنَّهَا كَأَنْتَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا أَلَا تَسْمَعُونَ إِلَى جَوَابِ أَهْلِ النَّارِ حِينَ سَأَلُوا مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ أَلَا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ

یعنی مردم! (خواندن و اقامه) نماز را بر عهده بگیرید، و آن را حفظ کنید، زیاد نماز بخوانید، و با نماز خود را به خدا نزدیک کنید. «نماز دستوری است که در وقت های خاص بر مؤمنان واجب گردیده است» آیا به پاسخ دوزخیان گوش فرا نمی دهید، آن هنگام که از آنها پرسیدند: چه چیز شما را به دوزخ کشانده است؟ گفتند: «ما از نماز گزاران نبودیم.»

سپس درباره آثار شگفت انگیز نماز می فرماید:

« وَ إِنَّهَا لَتَحُتُّ الذُّنُوبَ حَتَّ الْوَرَقِ وَ تُطْلِقُهَا إِطْلَاقَ الرَّبْقِ (*)

یعنی همانا نماز، گناهان را چونان برگ های پاییزی فرو می ریزد، و غل و زنجیر گناهان را از گردن ها می گشاید.

و در ادامه تشبیه بسیار اثرگذاری را از قول پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله هم فرمود: «خانواده خویش را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش» پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پی در پی خانواده خود را به نماز فرمان می داد، و خود نیز در انجام نماز شکیبا بود.»

مراقبه دوم: محاسبه نفس

چه نیکوست که دانشجوی عزیز از همان ابتدای حضور در دانشگاه ساعتی را در پایان شب برای محاسبه افکار افعال و گفتار خود قرار دهد زیرا انسان اهی خیال می کند آنچه گفته و کرده همه درست بوده و صواب اما بعد از سالها متوجه می شود که چقدر در لابلای گفته هایش کذب و غیبت و تهمت و سایر گناهان زبان بوده و در میان اعمالش چه اعمال ناشایستی که به آن توجه نداشته است و این انبار گناهان و خطاها ممکن است انسان را به ناامیدی از اصلاح بکشاند.

لذا امیرالمومنین علیه السلام در حکمت ۲۰۸ نهج البلاغه توصیه می کند:

« مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رِبْحٌ وَ مَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِرَ (*) »

یعنی کسی که از خود حساب کشد، سود می برد، و آن که از خود غفلت کند زیان می بیند.

مراقبه سوم: شکر گذاری

وقتی سخن از معنویت به میان می‌آید رخی خیال می‌کنند که منظور اعمال عبادی و اذکار است در حالی که اعمال عبادی یکی از مصادیق معنویت است. در حقیقت معنویت یعنی اتصال پیدا کردن جان آدمی با عالم غیر مادی که در این صورت انسان از آثار و برکات قواعد عالم معنا برخوردار می‌شود مثلاً وقتی کسی صدقه می‌دهد عمر او افزایش پیدا می‌کند و افزایش عمر رابطه علی و معلولی برقرار است اما کسانی که نسبت به عالم معنا و معنویت منکر یا غافل هستند از درک این حقیقت محروم می‌باشند.

یکی از قواعد بسیار بسیار جالب در عالم معنویت رابطه مستقیم میان شکر نعمت و افزایش نعمت است. امیرالمومنین علیه السلام این باره در حکمت ۱۳۵ نهج البلاغه می‌فرمایند:

« مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ الزِّيَادَةَ (*) »

یعنی کسی را که توفیق شکرگزاری عنایت کنند از زیاد شدن نعمت محروم ننماید.

مولا علی علیه السلام درباره علت این رابطه در حکمت ۴۳۵ ینگونه فرمایش می‌کنند:

« مَا كَانَ اللَّهُ لِيَفْتَحَ عَلَى عَبْدٍ بَابَ الشُّكْرِ وَيُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ الزِّيَادَةِ (*) »

یعنی خداوند اینگونه نیست که در شکرگزاری راه روی بنده‌ای بگشاید ولی در زیاد شدن نعمت را بر او ببندد.

رضا نه تنها بعد از کامل شدن نعمت شکرگزاری را ضروری می‌شمارند بلکه حتی وصیه می‌کنند که وقتی نشانه‌های نعمت خدا هم آشکار شد شما با شکرگزاری مراقبت کنید که از تکمیل شدن آن نعمت محروم نشوید. توصیه را در حکمت ۱۳ نهج البلاغه می‌خوانیم:

« إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النِّعَمِ فَلَا تُنْفِرُوا أَقْصَاهَا بِقِلَّةِ الشُّكْرِ (*)

یعنی چون نشانه‌های نعمت پروردگار آشکار شد، با ناسپاسی نعمت‌ها را از خود دور نسازید.

مراقبه چهارم: ترک گناه

اگر بخواهیم میان انجام خوبی‌ها و ترک محرمات و زشتی‌ها اولویت بندی کنیم، قطعاً ترک محرمات بر انجام خوبی‌ها اولویت دارد؛ زیرا تا ظرف وجودی کسی پاک و طاهر نباشد گوهرهای عبادت و بندگی اثر شایسته خود را در وجود و شخصیت فرد باقی نمی‌گذارد.

دقیقاً مثل اینکه شما داخل یک ظرف آلوده و کثیف، عسل بریزید جز اینکه عسل را حیف و میل کنید، هیچ کاری نکرده‌اید.

از طرفی گناه، ذهن و روان جوان را برای مدت‌ها به خود مشغول کرده و او را از پرداختن به مطالب علمی، مطالب معرفتی و اهداف متعالی محروم می‌کند. کم نبوده اند جوانان دانشجویی که در ابتدای امر با انگیزه و نشاط و هدف و جدیت وارد دانشگاه شدند ولی به واسطه غفلت از این نکته مهم، کم کم از مسیر تحصیل و رشد دقیق و صلاح فاصله گرفته و گرفتار روزمرگی‌ها و حتی انواع بزهکاری‌ها شدند.

امیرالمومنین علیه السلام در حکمت ۱۷۰ نهج البلاغه درباره ضرورت ترک گناه و آسان‌تر بودن ترک گناه از توبه اینگونه می‌فرمایند:

« تَرَكُ الذَّنْبِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْمَعُونَةِ (*)

یعنی ترک گناه آسان‌تر از درخواست توبه است .

اما گاهی انسان گناه خودش را کوچک و سبک می‌داند و این باعث می‌شود که تکرار گناه و ارتکاب به گناهان بزرگتر در او آسان شود. مولا علی علیه السلام در حکمت‌های ۳۴۸ و ۴۷۷ نسبت به سبک شمردن گناه هشدار می‌دهند؛ مثلاً در حکمت ۳۴۸ می‌فرمایند:

« أَشَدُّ الذُّنُوبِ مَا اسْتَهَانَ بِهِ صَاحِبُهُ (*)

یعنی سخت‌ترین گناه، آن که گناهکار آن را کوچک بشمارد.

خطرناک‌تر از همه این‌ها وقتی است که انسان آنقدر در گناه و معصیت و ظلم از حد گذشته باشد که خداوند از بازگشت و اصلاح او قطع امید کند و برای اینکه او در منجلاب معصیت بیشتر فرو برود انواع و اقسام نعمت‌ها را به او ارزانی بدارد تا او خیال کند که در نزد خدا قرب و جایگاهی دارد و گناهانش چندان مهم نیست.

در این باره ابتدا به حکمت ۲۵ توجه بفرمایید که حضرت می‌فرمایند :

« يَا ابْنَ آدَمَ إِذَا رَأَيْتَ رَبَّكَ سُبْحَانَهُ يُتَابِعُ عَلَيْكَ نِعْمَهُ وَ أَنْتَ تَعْصِيهِ فَاحْذَرَهُ (*)

یعنی ای آدمیزاد! هنگامی که می‌بینی پروردگار منزهت، پشت سر هم به تو نعمت می‌دهد در حالی که تو نیز پشت سر هم معصیت او را می‌کنی بترس!

اگر بررسی چرا باید در زمانی که گناه می‌کنیم ولی خدا انواع نعمت‌ها را پی در پی به ما می‌دهد بترسیم و نگران باشیم؟ پاسخ در حکمت ۳۰ اینگونه داده شده است:

« الْحَذَرَ الْحَذَرَ فَوَاللَّهِ لَقَدْ سَتَرَ حَتَّى كَانَهُ قَدْ غَفَرَ (*)

یعنی هشیار باش! هشیار باش! پس بخدا سوگند گاهی خدا چنان پرده پوشی می کند تا خیال کنی که تو را بخشیده است.

از خطرناک‌ترین و مهلک‌ترین گناهان، گناهان در خلوت است. وقتی انسان در خلوت گناه می کند ولی در جلوت، تظاهر به پاکی می کند در واقع دانسته یا ندانسته خدا و حضور خدا را حقیر و ناچیز می شمارد. برای حضور دیگران ارزش قائل است اما برای حضور خدا ارزش قائل نیست؛ لذا امیرالمومنین علیه السلام در حکمت ۳۲۴ می فرمایند:

« اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ. (*)

یعنی از نافرمانی خدا در خلوت‌ها بپرهیزید، زیرا همان که شاهد گناه شماست، خودش هم در قیامت داوری خواهد کرد.

پیوست

فهرست عباراتی که برای شرکت در مسابقه حفظ در این کتابچه بکار رفته است:

۱. إِذَا أُرْدَلَ اللَّهُ عَبْدًا، حَظَرَ عَلَيْهِ الْعِلْمَ. (*) یعنی هرگاه خداوند بخواهد بنده‌ای را

خوار کند او را از دسترسی به دانش منع می‌کند. (حکمت ۲۸۸)

۲. النَّاسُ ثَلَاثَةٌ فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَجٌ رَعَاعٌ أَتْبَاعُ كُلِّ

نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَ لَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ

وَثِيقٍ

۳. يَا كَمِيلُ الْعِلْمِ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ وَ الْمَالُ

تَنْقُصُهُ النَّفَقَةُ وَ الْعِلْمُ يَزُكُّو عَلَى الْإِنْفَاقِ وَ صَنِيعُ الْمَالِ يَزُولُ بِزَوَالِهِ (*)

یعنی ای کمیل: دانش بهتر از مال است؛ زیرا علم، نگهبان تو است، ولی مال را تو

باید نگهبان باشی؛ مال با بخشش کاستی پذیرد اما علم با بخشش فزونی گیرد، و

مقام و شخصیتی که با مال به دست آمده با نابودی مال، نابود می‌گردد. (برگرفته

از حکمت ۱۴۷)

۴. يَا كَمِيلُ هَلِكَ خُزَانُ الْأَمْوَالِ وَ هُمْ أَحْيَاءُ وَ الْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ أَعْيَانُهُمْ

مَفْقُودَةٌ وَ أَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ (*) ای کمیل! ثروت اندوزان بی تقوا

مردم اند گرچه به ظاهر زنده‌اند، اما دانشمندان، تا دنیا برقرار است زنده‌اند،

بدن هایشان اگرچه در زمین پنهان اما یاد آنان در دلها همیشه زنده است.» (حکمت ۱۴۷)

۵. « لَا يَعْدَمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَإِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ. (*) » یعنی انسان صبور امکان ندارد به موفقیت و پیروزی نرسد؛ هرچند زمان طولانی شود.» (حکمت ۱۵۳)

۶. « وَ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ، فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيْمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ، وَ لَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ، وَ لَا [خَيْرًا] فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ. (*) » یعنی بر شما باد به صبر و مقاومت زیرا جایگاه صبر نسبت به ایمان مانند جایگاه سر است نسبت به بدن. نه خیری در بدن بی سر است و نه خیری در ایمان بی صبر. » (حکمت ۸۲)

۷. الْعِلْمُ وَرَأْتُهُ كَرِيْمَةً، وَالْأَدَابُ حُلٌّ مُجَدَّدَةٌ، وَ الْفِكْرُ مِرْآةٌ صَافِيَةٌ. (*) » یعنی دانش، ارثی با ارزش است که از گذشتگان به نسل بعدی می رسد و آداب مانند زینت هایی دائماً نوشونده و جدیدند و فکر کردن مانند آینه ای صاف و شفاف است. « (حکمت ۵)

۸. الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَانْتَهِزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ (*) »

یعنی فرصت ها مانند ابرها می گذرند پس فرصت های خیر را دریابید.» (حکمت ۲۱)

۹. بَادِرُ الْفُرْصَةِ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ غَصَةً (*) » یعنی به سوی فرصت ها بشتاب پیش از آنکه تبدیل به غصه شود.» (نامه ۳۱)

۱۰. « أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ (*) » (نامه ۴۷)

۱۱. فَشُدُوا عُقَدَ الْمَآزِرِ وَاطْوُوا فُضُولَ الْخَوَاصِرِ لَا تَجْتَمِعُ عَزِيمَةٌ وَوَلِيمَةٌ مَا أَنْقَضَ النَّوْمَ لِعَزَائِمِ الْيَوْمِ وَ أَمْحَى الظُّلْمَ لِتَذَاكِيرِ الْهَمَمِ (*) (یعنی پس کمر بندها را محکم ببندید، و دامن همت بر کمر زنید. که به دست آوردن ارزش‌های والا با خوشگذرانی میسر نیست! چه بسا خواب‌های شب که تصمیم‌های روز را از بین برده، و تاریکی‌های فراموشی که همتهای بلند را نابود کرده است.) (خطبه ۲۴)

۱۲. مَا أَسْرَعَ السَّاعَاتِ فِي الْيَوْمِ وَ أَسْرَعَ الْأَيَّامِ فِي الشَّهْرِ وَ أَسْرَعَ الشُّهُورِ فِي السَّنَةِ وَ أَسْرَعَ السِّنِينَ فِي الْعُمْرِ. (*) (یعنی وه! چگونه ساعت‌ها در روز، و روزها در ماه، و ماه‌ها در سال، و سال‌ها در عمر آدمی شتابان می‌گذرد.) (خطبه ۱۸۸)

۱۳. أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اِكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ وَ أَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفِرَ بِهِ مِنْهُمْ (*) (یعنی ناتوان‌ترین مردم کسی است که در دوست‌یابی ناتوان است، و از او ناتوان‌تر کسی است که دوست خود نه‌حکمت ۱۶۵)

۱۴. « لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلَّى عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ (*) (یعنی امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدهای شما بر شما مسلط می‌گردند، آنگاه هر چه خدا را بخوانید، اجابت نخواهد کرد.) (نامه ۴۷)

۱۵. « وَ مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلِّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفُثَةٌ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ (*) (یعنی همه کارهای نیک و

جهاد در راه خدا برابر امر به معروف و نهی از منکر، چون دمیدنی است به دریای
پر موج پهناور.» (حکمت ۳۷۴)

۱۶. «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ

الْبِهَائِمِ». (*) از خدا بترسید در حق بندگانش و شهرهایش، زیرا شما مسئولید
حتی در برابر سرزمینها و چارپایان (خطبه ۱۶۷)

۱۷. «وَ إِنَّهَا لَتَحْتُ الذُّنُوبَ حَتَّىٰ الْوَرَقِ وَ تُطَلِّقُهَا إِطْلَاقَ الرَّبِقِ (*) یعنی

همانا نماز، گناهان را چونان برگهای پاییزی فرو می ریزد، و غل و زنجیر گناهان
را از گردن ها می گشاید. (خطبه ۱۹۹)

۱۸. «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رِبْحَ وَ مَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِرَ (*) یعنی کسی که از

خود حساب کشد، سود می برد، و آن که از خود غفلت کند زیان می بیند.» (حکمت ۲۰۸)

۱۹. «مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ الزِّيَادَةَ (*) یعنی کسی را که توفیق

شکرگزاری عنایت کنند از زیاد شدن نعمت محروم ننماید. (حکمت ۱۳۵)

«مَا كَانَ اللَّهُ لِيَفْتَحَ عَلَىٰ عَبْدٍ بَابَ الشُّكْرِ وَ يُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ الزِّيَادَةِ (*) یعنی

خداوند اینگونه نیست که در شکرگزاری را به روی بنده ای بگشاید ولی در زیاد شدن
نعمت را بر او ببندد. (حکمت ۴۳۵)

۲۰. « إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النِّعَمِ فَلَا تُنْفِرُوا أَقْصَاهَا بِقِلَّةِ الشُّكْرِ (*) »

یعنی چون نشانه‌های نعمت پروردگار آشکار شد، با ناسپاسی نعمت‌ها را از خود دور نسازید. (حکمت ۱۳)

۲۱. « تَرَكَ الذَّنْبَ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْمَعُونَةِ (*) » یعنی ترک گناه آسان‌تر از

در خواست توبه است. (حکمت ۱۷۰)

۲۲. « أَشَدُّ الذُّنُوبِ مَا اسْتَهَانَ بِهِ صَاحِبُهُ (*) » یعنی سخت‌ترین گناه، آن که

گناهکار آن را کوچک بشمارد. (حکمت ۳۴۸ و ۴۷۷)

۲۳. « يَا ابْنَ آدَمَ إِذَا رَأَيْتَ رَبَّكَ سُبْحَانَهُ يُتَابِعُ عَلَيْكَ نِعْمَهُ وَ أَنْتَ تَعْصِيهِ

فَاحْذَرَهُ (*) » یعنی ای آدمیزاد! هنگامی که می‌بینی پروردگار منزهت، پشت سر هم به تو نعمت می‌دهد در حالی که تو نیز پشت سر هم معصیت او را می‌کنی
بترس! (حکمت ۲۵)

۲۴. « الْحَذَرَ الْحَذَرَ فَوَاللَّهِ لَقَدْ سَتَرَ حَتَّى كَأَنَّهُ قَدْ عَفَرَ (*) » یعنی هشیار باش

! هشیار باش! پس بخدا سوگند گاهی خدا چنان پرده پوشی می‌کند تا خیال کنی که تو را بخشیده است. (حکمت ۳۰)

۲۵. « اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخُلُوتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ. (*) » یعنی از

نافرمانی خدا در خلوت‌ها بپرهیزید، زیرا همان که شاهد گناه شماست، خودش هم در قیامت داوری خواهد کرد. (حکمت ۳۲۴)